

در بیان
نظریه
نظریه
نظریه

این عملیه را معانی

در بیان
نظریه

این عملیه را معانی

در بیان
نظریه

در بیان
نظریه

در بیان
نظریه

در بیان
نظریه

۳۱۴

قیاسی بر چهار سبب است
غلام جالی نا محسن

در حدیث او بسیار است عید از نفس از سلیم نمودم

زیر که در نظر این دو وجه کار و مثال کار است پس نیز نوشته و نخله وقت و سیم در میان وضع خالیه بود
 مجرب است مسمی بکار با اولی هم نفس است بعضی نام در مقام و عیسا برین عبارت است غیر از قسم چهارم و چهارم
 در میان چهار ساله حضرت فرام کرده اند از کلمه در است عید قطعا بقیه رو بیاورد نیست
 تفاوت در هر وقت از کلمه است با سینه صفت کلمه که بعد از اولی و دوم کلمه مخصوص او
 عبارت بعضی کلمه در در این اوقات است که است از روی حسه و جهالت و بحال حسه در سایر
 است دو نوع مقام برین عبارت است که در مقام محبت است و در مقام محبت است
 است اسمی لغت میانه شرح در عیسا و مقام برین عبارت از کلمه در است عید سه صفت
 و معظرات حضرت تفاوت اوضاع و اختلاف استه امانه و عیسه در این کلمات
 روش او بر سینه هر روز در صفت و یا یک نوع مراد را خارج از حد لغوی او بیاید
 سایر بیع روشی حاضر غلام بقیه از بنا بر عبارت ایضا بر ندرت جمع کلمات در بعضی
 و اتفاقا سینه زد بقیه با از روی است که در آیات کارند وی چه سینه در حد اطراف
 اینها مراد مفرده است که در حد خط سینه است از سبب است از غلام برین حالت
 مانع از آن است و در حد کلمه حال وقت است و قیاس از آن برین تصورات است
 حقیقت مطلب برین است که اولی بقدرش از دل بر قرض خود در دم و جمله است
 زیرا که تبصره و حفظ چنین مقام و عیسا تفاوت است و نیز مشخص است

The Ghani Collection at Yale

Yale

روغاد روح الجاهل و اوله پخت چنان شرایط و خارج لایم و در در یک غیر و لایم که هر قدر هم از خود صاحب
 حکما در اینجا به مقروض بود علی الخصوص در این اوقات در بواسطه فقر و سستی تجارت ایلم در این
 سینه و عصر در باک این مملکت وارد آید آن شام و صراف را بقایع و مایه در ضریح
 بینه ادل الله محتاج مال و سخی رعایتند چون امروز بجهت صلح در دفع در دمای شهر و بعضی
 حکمت و واقف و توجه مخصوص ذات معتمد اولی اردو خانه که هیچ سایر از این همه ادر
 یک کلمه و بلاد بطه عرض میکنم در حواس و زنگ این مملکت در اول و آخر آن سخت بر یک کلمه
 سکوت کلمه که از مقام لغت معنی است با بنظر و تیرج محمد بنیست نه است اول
 خیانت لایغر و اول بود لایم از کجا که اول محمانه است و در اول ایستاد از اول
 سیه نه پس بواسطه مال لغات و وقایع حکمت در مخصوص ذات معتمد صفات با اول
 در هر ساعت به اسیر مالقی ایستاد از اول که در اول و در نظر و در اول
 بروقی صلح و است تغییر علم فالتو را لازم دانست به این معنی که هر چه در اول
 داده بود تقیبات به فریاد با کمال شرف و چهار عالم است ایستاد معنی که در اول
 حاضر الحاره وزارت مدینه امر حاضر را الفای بعضی سکاه سریر اول بر نام با اول
 با عراف با بنظر که به او شام معنی که هر چه در نظر با اول است چه در اول
 هیچ در اول هیچ اولی که در اول معنی که است با چه ایستاد معنی که در اول
 هر چه در اول رود طاعت معنی و معنی طاعت جاهان پانیه است معنی که در اول

The

The Ghani Collection at Yale